

## خط استعماری و نام نهاد دیورند

## م. ع. اطرافی

از نام آن معلوم است که دیورند یک خط استعماری است

افغانستان در سه جنگ ، استعمار انگلیس را در افغانستان شکست داد و استقلال خود را بدست آورد.

آزادی افغانستان از قید و سلطه استعمار انگلیس در بین مردم و جنبش های آزادی بخش ملی هندوستان تأثیرات شگرفی بجا گذاشت و به نهضت استقلال طلبی در هندوستان سرعت بخشید که در رأس جنبش مذکور، فقید مهاتما گاندی قرار داشت که جنبش عدم تشدد سراسری هندوستان را رهبری میکرد. جنبش عدم تشدد سراسری هندوستان روز تا روز اوج میگرفت که موجب ترس و هراس استعمار گردیده بود برای دفع آن به سیاست همیشگی خود تفرقه بیانداز و حکومت کن متوصل گردید. بین مسلمانان و هندوها آتش نفاق و خصومت ها را برافروخت که زمینه آنرا از قبل فراهم ساخته بود. با آنهم نهضت استقلال خواهی سراسری هندوستان با وسعت و قدرت خود به پیش میرفت. حاکمان انگلستان خود ها را در شکست نهضت سراسری هندوستان عاجز و ناتوان یافتند. در صدد آن شدند که قلمرو اشغالی شان را تجزیه نمایند. در جریان در گیری های مسلمانان و هندوها ، مسلمانان از قلمرو فعلی هندوستان به قلمرو فعلی پاکستان نام نهاد مهاجرت داده شدند و در آنجا جا بجا شدند همچنان هندو ها از قلمرو پاکستان نام نهاد به قلمرو هندوستان مهاجرت داده شدند. در جریان این مهاجرت ها و جا بجا شدن ها بیش از یک ملیون انسان از هر دو طرف کشته شدند. سر انجام هندوستان آزادی اش را از استعمار انگلیس بدست آورد. اما در یک قسمت از سرزمین های اشغالی انگلستان که مربوط به افغانستان و هندوستان بود کشور جدیدی را ایجاد کردند که اسم آنرا پاکستان نام گذاری کردند. اما بعضی کور اندیشان تاریخ آنرا آزادی پاکستان میگویند و مردم را فریب میدهند . محمدعلی جناح تعلیم یافته انگلستان را بحیث نماینده خاص خود در رأس دولت نام نهاد پاکستان مقرر کردند. چون در قلمرو فعلی پاکستان کشور مستقلی و جود نداشت و اتباع بومی آنرا هم به کشور فعلی هندوستان هجرت داده بودند و در عوض مهاجرین جدیدالورود هندوستان را در قلمرو پاکستان جا بجا کردند، با تعویض مسلمانان بومی و هندوهای بومی به آسانی توانستند اهداف استعماری خود را در وجود کشور پاکستان عملی بسازند. که برای بقاء، ادامه موجودیت، نفوذ و حفظ حاکمیت خود در منطقه به یک کشور دست نشانده خود نیاز پیدا کردند. زیرا انگلیس ها از کشور هندوستان رانده شدند و میدانستند که به کشور هندوستان باز گشت ندارند. پایگاه شان را در قلمرو پاکستان بنا و اعمار کردند که تا امروز ادامه دارد. پاکستان یک کشور مستقل نبود و نیست که

آزادی اش را از استعمار انگلیس گرفته باشد. بلکه در اثر دسیسه استعمار انگلیس بوجود آمد و ممثل کشور تاریخی اعلام گردید.

همزمان سازمان استخبارات آی اس آی پاکستان را هم ایجاد کردند که در آن سازمان استخبارات ام آی ۶ انگلستان و بعدن سازمان سی آی ا امریکا نیز دخیل شدند. اگر به سوابق تاریخی پاکستان از ایجاد آن در سال ۱۹۴۷ به اینسو دقت شود، حاکمیت پاکستان را آی اس آی و نظامیان پاکستان از طریق کودتا ها در انحصار خود گرفتند. دولت های ملکی پاکستان با کودتا های نظامی صلب صلاحیت میشدند. پاکستان بحیث کشور کودتا ها در منطقه و جهان شهرت پیدا کرد. درحقیقت پاکستان تحت نفوذ و قیادت انگلستان و امریکا درآمد و هویت مستقل بودن خود را از دست داد. به اتکاء دلایل فوق پاکستان یک کشور مستقل نبود و نیست. بنابراین خط دیورند سرحد حقوقی و حقیقی بوده نمیتواند بلکه یک سر حد استعماری و تحمیلی میباشد. پاکستان در این اواخر روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی اش را با کشور های چین و روسیه، رقبای ستراتژیک انگلستان و امریکا بر قرار ساخته است. در عقب آن چه اهداف و برنامه های نهفته است که به پاکستان این جرئت را داده است که با روسیه مخالف تاریخی انگلستان و امریکا روابط ستراتژیک بر قرار نموده است. همچنان طالبان هم در صف و جبهه نظامی روسیه قرار گرفته اند.

تخریب تونل های زیرزمینی در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار توسط بزرگترین و ثقیل ترین بم غیر اتمی امریکا سواتاتی را خلق کرده است که این تونلها از جانب کدام قدرت، چه وقت، برای کدام منظور و هدف حفر شده بود که مورد شدید ترین، بزرگترین و سنگین ترین حمله بمی امریکا قرار گرفت. اگر منظور امریکا از بین بردن داعش میبود میتوانست با محاصره گرفتن مدخل تونلها، داعش را مجبور به تسلیمی میکرد زیرا راه فرار نداشتند. حدث و گمان برده میشود که در داخل تونل رازی بوده باشد! به گمان اغلب معدن گرانبها، کمیاب و ستراتژیک موجود بوده باشد که در اثر استخراج آن این تونلها حفر شده باشد که مورد ثقیل ترین بم امریکا قرار گرفت. چرا دولت های دست نشانده افغانستان و استخبارات افغانستان از این تونل ها اطلاع و خبری نداشتند که از جانب ترورستان داعش کشف گردید که مقر نظامی خود را در داخل تونل ها انتقال دادند. با پرتاب بزرگترین بمی به نام مادر از جانب امریکا، هم داعشیان را اگر در داخل تونل بوده باشند از بین برد وهم آثار راز داخل تونل ها را محو و نابود کرد. امتیاز دادن بیش از حد به تنظیم ها و گروه های ضد روسیه در دولت لرزان آقای اشرف غنی، تصفیه کدرهای اقوام تاجک، ازبک و جنبش رو شنایی از ارگانها و بدنه دولت آقای اشرف غنی، تحریک خصومت های قومی و مذهبی و قومی ساختن مقامات با صلاحیت اداری، اقتصادی و نظامی و امنیتی کشور، اعمار و دیوار کشی در اطراف خط دیورند از جانب پاکستان، فسخ خرید هلیکوپترهای روسی از جانب امریکا و تعویض ان به هلیکوپترهای امریکایی، پذیرایی شاندار از انجینر حکمتیار از جانب دولت

وحدت ملی، امتیاز دادن، جذب عناصر و گروه‌های ضد روسی در دولت افغانستان از تغییر سیاست آمریکا و ناتو در افغانستان و منطقه نمایندگی میکند. این تغییرات راه بردی و تاکتیکی آمریکا در افغانستان و منطقه چه عواقبی را برای کشور و مردم ما در قبال خواهد داشت. حدث و گمان زده میشود که بار دیگر پای روسیه را در جنگ‌های افغانستان و منطقه بکشاند. آمریکا، دولت افغانستان، حزب اسلامی و دیگر تنظیم‌های ضد روسی خواب‌های دوران انقلاب و جهاد را می‌بینند. روسیه امروز با شوروی دیروز تفاوت دارد. روسیه با زیاد کشورهای اسلامی همکاری و روابط دوستانه برقرار کرده است. اعلام جهاد علیه روسیه در بین مسلمانان جهان کتشش خود را از دست داده است.

ما نباید مردم و کشور خود را در جنگ‌های نیابتی آمریکا و روسیه دخیل بسازیم که از مردم ما قربانی بگیرند. ما فراموش نکرده ایم، زمانیکه افغانستان از سیاست عدم انسلاک پیروی میکرد، مردم ما در صلح و صفاء زندگی میکردند و کشور ما در راه ترقی و پیشرفت گام بر میداشت زمانیکه دولت افغانستان در پهلوی شوروی قرار گرفت، افغانستان در جنگ‌های نیابتی دو ابر قدرت جهان آمریکا و شوروی و متحدین شان در گیر شد که به ویرانی و تخریب کشور ما انجامید. بیش از ۷ میلیون مردم ما در داخل و خارج کشور مهاجر شدند. بیش از دو میلیون هموطن ما کشته و شهید شدند. بیش از پنجصد هزار هموطن ما، معیوب و معلول شدند که بار دوش جامعه خود شده اند. زمانیکه انقلاب شکست خورد، آمریکا و حامیان داخلی و خارجی اش بر اوضاع افغانستان مسلط شدند. در جنگ‌های نیابتی و ترورستی، استخراج غیر قانونی معادن افغانستان، کشت و قاچاق مواد مخدر، اختلاس‌ها، فساد سرتاسری و رشوت ستانی و منقسم ساختن جامعه ما به طبقه یک فیصد ها و ۹۹ فیصد ها، تحریک و تداوم جنگ‌های نیابتی و ترورستی شیرازه تفاهم و وحدت ملی ما را برای همیشه خدشه دار ساخت. این امر باعث شد که جنگ‌های نیابتی و ترورستی در سراسر کشور ما گسترش یافت. اکثریت مردم آگاه افغانستان اعلام جهاد را یک اشتباه تاریخی میدانند که کشور و مردم ما را به تباهی و در بردی کشانید و قدرت‌های استعماری را از طریق دست نشانده‌های شان بر کشور ما مسلط ساختند. افغانستان با شوروی بیش از دو نیم دهه روابط راه بردی و دوستانه داشت که افغانستان را در بخش‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، تخریکی، زراعتی و نظامی کمک نمود. افغانستان با کمک‌های همه جانبه شوروی تقریباً خود کفای شده بود. صلح، امنیت، ترقی و پیشرفت در کشور ما حاکم و مستقر شده بود. بد بختی کشور ما در تقابل انقلاب و جهاد آغاز گردید. انقلاب قطبین موازی سقوط کرد. اما جهاد تا امروز ادامه دارد که مردم ما را به کام مرگ و کشتار‌های دسته جمعی و کشور ما را به ویرانی و تباهی کشانیده است که این جریانها تا امروز همچنان ادامه دارد. عاطفه و ترحم انسانی در دولت‌های دست نشانده آمریکا و حامیان شان وجود نداشت و ندارد که جلومعتاد شدن بیش از سه میلیون انسان فقیر، ضعیف و ناتوان را در افغانستان می‌گرفتند.

فکر کنید که برای تهیه و تدارک مواد مخدر به سه ملیون معتاد چه برنامه ی طرح شده باشد و چند نفر فروشنده در کار بوده باشد. پول خرید و فروش مواد مخدر سه ملیون معتاد روزانه چه مبلغ میشود و کدام منابع و مراجع آنرا تمویل میکردند و میکنند که دولت های دست نشانده افغانستان و امریکای مدافع حقوق بشر از ان اطلاع و آگاهی نداشتند و ندارند. در قبال این همه نا به سامانی ها اهداف معین نهفته است که مقاومت مردم را در برابر اشغال افغانستان نا توان و ضعیف بسازند و راه را برای دست نشانده های شان باز نمایند که نقش رهبری موافق و مخالف دولت و ضد امریکا را بازی نمایند تا اوضاع از کنترل اشغالگران خارج نشود و مواد مخدر و معادن افغانستان در گرو چپاول گران برای همیشه قرار داشته باشد

مدت چهل سال جنگ در افغانستان به حد کافی مواد مضره در فضا، هوا، آبها، زمین و شهر های افغانستان پخش و نشر گردیده که همه اشیاء را ملوث و زهر آلود ساخته است. اگر جلوان گرفته نشود، صحت و سلامتی نسل های کشور ما را به مخاطره میاندازد و به امراض گوناگون مبتلا میشوند.

**مردم خواب برده و بی اراده افغانستان!**

از خواب تاریخی تان بیدار شوید با هم متحد و یک پارچه شوید. مردم و وطن خود را نجات بدهید. اکثریت و اقلیت قومی چشم و مغز بعضی هارا کور و کر ساخته است که هیچ درد مردم ما را مداوا کرده نمیتواند. بیش از این فریب قوم گرا ها را نخورید.

جبهه متحد ملی سراسری تمام اقوام افغانستان را ایجاد نمایید که ناجی مردم و کشور ما شده میتواند. اگر این کار را نکنید به تدریج همه ما نیرو و توان ملی و دفاعی خود را از دست میدهیم و کشور ما را برای دایم اشغال می نمایند و یا کشور ما را تجزیه مینمایند. همین حالا ما حاکمیت معادن، کشت و قاچاق مواد مخدر خود را از دست داده میرویم. در ماده دهم بند ۴ موافقتنامه امنیتی با امریکا چنین تسجیل شده است. هوا پیمایا، کشتیها و وسایط حکومت ایالات متحده امریکادر داخل افغانستان از هرگونه تفتیش، انتظام و یا ثبت و تحقیق معاف میباشند.

مقامات ذیصلاح افغانستان میتوانند بر اساس امنیت ملی خویش هوا پیمایا، کشتی ها و وسایط ایالات متحده را به صورت تصادفی باز رسی کنند.

متن موافقت نامه امنیتی را آقای کرزی با وزیر خارجه امریکا نهایی کرده بود و آقای اشرف غنی آنرا بروز اول کاری اش بحیث رسیس جمهور توسط آقای حنیف اتمر امضاء کرد. هر سه برادر پشتون ما یک تحفه ناچیز در متن قرارداد امنیتی به دوست ما امریکا عطیه دادند. که از افغانستان دست خالی نبراید

در تاجکستان هم تاجکان جهاد را علیه دولت خود اعلام کردند. مجاهدینی که در افغانستان جهاد میکردند به حمایت تاجکستان شتافتند. عین شیوه ی جهاد را که در

افغانستان انجام میدادند در آنجا نیز آغاز کردند. به تخریب پل ها، پایه های برق، آتش زدن مکاتب، شفاخانه ها و غیره تأسیسات دولتی و عامه، بم گذاری های جاده ی و بم های انتحاری متصل شدند. مجاهدین تاجکستان متعجب شدند که اینها چه میکنند. از نزد شان پرسید چرا اینهارا تخریب میکنید و آتش میزنید. ما با اینها هیچ مشکلی نداریم، مشکل ما با دولت است. جواب دادند که همین ها پایه های دولت را تشکیل میدهند. اگر اینها از بین برده شوند دولت سقوط میکند.

مجاهدین تاجکستان که چند تنظیم بودند با هم نشستند، جلسه کردند و گفتند که اینها گروه نادان و بی عقلی هستند که کشورشان را بدست خود شان تخریب می نمایند و مردم شان را به قتل میرسانند. باید اینهارا از کشور خود خارج بسازیم. همه شان را رد مرز کردند. مجاهدین تاجکستان رفتند با دولت خود مصالحه کردند و در صلح و آبادی کشور خود سهم گرفتند.

امید است که آن گروه مجاهدین افغانستان که در فکر وطن و مردم خود هم هستند از مجاهدین تاجکستان پند بگیرند که از این بیعد مردم مظلوم خود را تحت شعار الله اکبر به قتل نرسانند و وطن خود را تخریب و ویران نکنند. حال در برابر ما این سوال مطرح است که در مورد خط دیورند ما چه کرده میتوانیم و چه باید کرد.

واقعیت امر این است که بالای خط دیورند امریکا، انگلستان، پاکستان و هم افغانستان منافع دارند.

جنرالان روسی هم به دعوت پاکستان در این اواخر از اطراف خط دیورند باز دید کردند. معلوم نشد که هدف این بازدید چه بود. ایا امریکا و انگلستان حاضر میشوند که از منافع راه بردی شان که در موجودیت خط دیورند در منطقه سرشار از منابع معدنی و زیر زمینی نهفته است عقب نشینی و صرف نظر خواهند کرد، احتمال آن بعید به نظر میرسد.

امروز قدرت های بزرگ اتمی جهان که خطرات جنگهای مستقیم را با یکدیگر با فجایع آن درک میکنند هیچگاه در جنگهای مستقیم و اتمی علیه یک دیگر در گیر نمیشوند و نخواهند شد. با استفاده از طیارات بی پیلوت، راکت های دور برد و جنگهای نیابتی و ترورستی در کشورهای ثروت مند جهان نا امنی و جنگ ها را دامن میزنند و در جنگها و نا امنی ها ثروت های شان را به یغما میبرند. جنگهای نیابتی و ترورستی در کشورها ی فقیر جهان اصلن وجو ندارد. بلکه کشورهای عقب مانده و ثروت مند جهان هدف و میدان جنگ های نیابتی و ترورستی قرار میگیرند که افغانستان یکی از همین کشورها میباشد که هدف قرار داده شده است که

الی ختم کل ثروت افغانستان جنگها در افغانستان ادامه میابد. خدا کند این برداشت غلط برآید. ۲۰۱۷/۰۶/۰۹

حال